

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هشتم-شماره سوم-پائیز ۱۳۹۴-شماره پیاپی ۲۹

تحلیل ساختاری انواع تشبیه در اسرارنامهٔ عطارنیشابوری

(ص ۷۹-۶۱)

محمدانصاری پویا (نویسنده مسئول)^۱، عباس نیکبخت^۲، سمیه دهمرده^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۸/۲۸

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۴/۰۹/۰۴

چکیده

در حقیقت، هر اندیشه و فکر و تخیل تازه از دیدی تازه و تجربه‌ای نو منبعت می‌شود. برای بیان اندیشهٔ تازه، به زبان تازه و جدید نیاز است. تشبیه تجلی‌گه اندیشه، طرز تفکر، تخیل و تجربه شاعر و نمودار توانایی او در ایجاد تناسب میان اجزاء، طبیعت بیرونی و درونی و برقراری ارتباط با محیط و آفریده‌هاست. از اینرو تشبیه در معنای فراگیر آن، زمینه ساز تحولات و تغییرات سبکی در همهٔ عرصه‌های هنری بویژه شعر است تا آنجائیکه تحلیل و بررسی آن می‌تواند نمایانگر سبک شخصی یک شاعر باشد. عطار در اسرارنامه، از عناصر بیانی مختلفی، از جمله تشبیه، برای بیان اندیشه‌ها و معانی و مفاهیم عارفانه، بهره‌جسته است. تا آنجا که نگارندگان جست‌اند؛ این اثر تاکنون از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. اما در رابطه با تشبیه و ساختارهای مختلف آن در این اثر، پژوهشی صورت نگرفته است. بر این اساس؛ این پژوهش بر آنست که ضمن آشنا ساختن مخاطبان با ساختارهای مختلف تشبیه در اسرارنامه، به بررسی جایگاه تشبیه در بیان اندیشه‌های عطار، بپردازد. مبنای این مقاله از جهت ساختاری براساس معرفی و تحلیل انواع تشبیهات و ساختارهای آن از جهت عناصر و مواد بکار رفته، حسی و عقلی بودن طرفین، فشردگی و گسترده‌گی ساختار تشبیهات، مفرد، مقید و مرکب بودن طرفین، شکل و وجه شبه، استوارگردیده و روش کار بر پایهٔ توصیف و تحلیل داده‌ها، از دیدگاه اسلوب‌های بلاغت است. ضمن اینکه در پایان، براساس نمونه‌های آماری، جایگاه انواع تشبیه در اسرارنامه عطار نشان داده شده است. با انجام این پژوهش در می‌یابیم که تشبیه در اسرارنامه از عناصر بیانی مهم برای بیان اندیشه‌های عطار بوده و در ساختارها و اشکال مختلفی بکار رفته است.

کلمات کلیدی: تشبیه، ساختار، سبک، عطار، اسرارنامه.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان Ma347604@Gmail.com

^۲ استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه تهران

مقدمه

اسرارنامه، یکی از مجموعه آثار عرفانی عطار است که در آن مفاهیم و مقاصد عالیۀ عرفان را با زبانی ساده و شیوا، بیان داشته است. عطار در این منظومه، برای تفهیم معانی، به ذهن و روان مخاطب از روشهای مختلفی از جمله تشبیه بهره برده است. در واقع زبان نرم و گفتار دل انگیز او که از دلی سوخته و شیدا برمیآید؛ حقایق عرفان را به نحوی بهتر در دلها جایگزین میسازد. توسل عطار به تمثیلات گوناگون و ایراد حکایات مختلف هنگام طرح یک موضوع عرفانی، مقاصد معتکفان خانقاها را برای مرم عادی آشکارتر میسازد. طبع سیال و قریحه جوشان و فصاحت و بلاغت وی در این اثر بی‌مانند است. هرچند که نمیتوان ملاکهای دقیقی برای ارزیابی زیبایی آثار ادبی و هنری ارائه داد؛ در واقع این اثر، هنر تصویرپردازی عطار و کمیت و کیفیت بهره‌گیری وی را از صنایع و فنون ادبی، تا حد زیادی به نمایش میگذارد که بر این اساس قابل ارزیابی و سنجش است.

در این پژوهش برآنیم که تشبیه و ساختار مختلف آن را در "اسرارنامه" عطار مورد ارزیابی و سنجش قرار دهیم. بر این اساس، یکی از ابعاد مفید شعر این شاعر در این کتاب به مخاطب معرفی میشود. با قاطعیت و اطمینان میتوان ادعا نمود که در زمینه نقد و بررسی تشبیه در اسرارنامه عطار تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. بنابراین یکی از علل پرداختن به این بحث، همین مورد مذکور میباشد. همچنین بدلیل محدودیت مقاله، بسیاری از انواع تشبیه و شواهد مربوط به آنها حذف شده است ولی آمارها و درصدها شامل تمام تشبیهات است. در بخش پایانی، بوسیله جدول و نمودار، یافته‌های پژوهش به شکل آماری و دقیق ثبت شده است تا مخاطب در یک نگاه اجمالی بتواند به نتیجه این تحلیل برسد.

۱. تشبیه در اسرارنامه عطار

در شعر عطار، اقسام و انواع آرایشهای کلامی و فنون بلاغی برای تبیین مفاهیم عرفانی استفاده شده است. درحقیقت، توجه عطار به تشبیه، نشانه گسترش حوزه تخیل و نوآوری او در شعر و اصالت او در هنرمندی است. تا جاییکه اگر از عادیتترین امور سخن بگویید؛ سخنش شگفت انگیز مینماید. اشعارش زمینه‌ای است برای پرواز خیال و بیان افکار عمیق و احساسات انسانی پرشور و زنده در دنیایی زنده و پرتکاپو. همین امر سبب گردید تا توفان روحی عالم خلسه را، به کمک ابزار بیانی هر چند ذره‌ای، بیان کند.

تأمل در تشبیهات عطار، مانع آن نیست که فرصت اندیشیدن را برای ادامه التذاذ از تعلیمات انسان گونه او سلب کند، بلکه کشش فرد برای دریافت حقایق بیشتر میشود. از آنجائیکه تشبیه از ابزارهای گسترش معناست و خواه ناخواه، در اسرارنامه، جریان دارد، اگرچه در استفاده آن، عطار مثل دیگر شعرای سلف تأمل نکرده، این تصاویر، خود بخود، به‌همراه معانی به اقتضای شعر در بیت آمده است. به تعبیر دیگر «اگر تصویری بوده، خود آمده است نه آنکه آن را آورده باشند». (باغ سبز عشق، اسلامی

ندوشن، ص: ۱۰۹) بدین ترتیب، آنچه که در باب اشعار عطار صادق است و به عینیت میرسد، اینکه: "ایماژها" برای گسترش معانی و تقریب آن در افهام مستمعان است و «وظیفه ایضاح و تبیین آنچه را که از تجربه حسی و بیان استدلال گریزان است، بعهده دارد نه تزیین. گاهی نیز وظیفه ایضاح معنی و نزدیک کردن معنی، به افهام بدان سپرده میشود. تصاویر گاهی احوال نفسانی شاعر، به قصد درک معنی و تجربه، منجر به کشف معنی است بویژه، وقتی موضوع و مایه سخن حقایق مربوط به عرفان و الهیات و هیجانات و عواطف روحی ناب و شخصی است.» (رمز و داستانه‌های رمزی، پورنامداریان، ص: ۲۸ و ۲۹)

نکته دیگری که در تشبیهات عطار در اسرار نامه، بنظر میرسد؛ سادگی و روانی در کاربرد تشبیهات است. در واقع صناعات شعری و موسیقایی کلامی و سایر فنون بلاغی در هرسبک و هر دوره، مرام و مسلک که باشد؛ نشان از هنرمندی شاعر است. این امر، هنگامی مهارت واقعی شاعر را نشان میدهد که پیچیده و رنگین نشود و معنی را در خدمت لفظ نگیرد و به تصنع ختم نشود. به تعبیر دیگر، وقتی «صنایع شعری، مبدل به تکلف نشود، هنراست.» (سیری در دیوان شمس، دشتی، ص: ۵۵) اینک تشبیهات عطار، در اسرارنامه از جنبه‌های مختلف مورد بحث و بررسی قرار میگیرد:

۲. عناصر و مواد تشبیه در اسرارنامه عطار

عطار، در اسرارنامه، موضوعات و عناصر متعددی را مورد توجه قرار داده است. در این اثر، انسان و متعلقات وی، معنویات و عناصر انتزاعی و ذهنی، عناصر طبیعی، اشیاء و ابزارالات و مکانها، حیوانات و جانوران و پرندگان، عناصر دینی و مذهبی، عناصر گفتار و نوشتار؛ از جمله عناصر تشبیه را تشکیل میدهند که در زیر به تحلیل و مقایسه آنها پرداخته میشود:

۲-۱. انسان و متعلقات وی

براساس آمارهای بدست آمده از منظومه اسرارنامه عطار، بیشترین موضوعات مشبّه را "انسان و متعلقات وی" تشکیل میدهد و این خود بیانگر توجه ویژه عطار به انسان و اهمیت آن در نگاه عارفانه اوست. عطار میدانند که تصوّر جهانی بدون انسان، تصوّر هویتی بی‌معناست و جهان، موجودیت معنادار خود را صرفاً از حضور انسان کسب میکند و از سوی دیگر، سبک تعلیمی عطار در این اثر باعث بسامد بالای این ماده، در دو طرف تشبیه شده است:

مشبّه

انسان به گنج (عطار، ۱۳۹۲: ۱۰۷)، خوی ناخوش به گرگ (همان: ۱۳۷)، انسان نادان به موم (همان: ۱۴۱)، تو (مخاطب) به ماهی (همان: ۱۶۷)، قد به سرو (همان: ۱۹۲)، مو به شیر (همان: ۲۰۱)

مشبّه‌به

گر اینجا سرخ رویی آیدت خوش	دمیدن بایدت چو زرگر، آتش (همان: ۱۷۸)
بسه نادانی چو آن حجّام استاد	دمی خوش میکشند از خون او باد (همان: ۱۷۹)
خدایا من درین دیر تحیر	چو آن پیرم تهیدست و دلی پر (همان: ۲۳۰)

۲-۲. عناصر انتزاعی

عنصر انتزاعی به مفهومی ذهنی اطلاق میشود. یعنی آنچه که به ذهن مرتبط است و از جهان ملموس و مادی به دور. شاعران در ادوار مختلف ادب فارسی، به کاربرد مفاهیم انتزاعی در شعر خود روی آوردند تا بر دایره مضامین شعر خود بیفزایند. در ساختار شعر عطار؛ بسیاری از عناصر انتزاعی در هیأت تشبیه نقش آفرینند. علت توجه زیاد عطار به عناصر انتزاعی در رکن مشبه، آنست که وی در این منظومه، در پی تبیین بسیاری از آموزه‌های شرعی و اعتقادی و عرفانی - تعلیمی است. از این جهت نیاز است که امور معقول که مربوط به عالم غیب و مجردات هستند را از راه مانند کردن به امری محسوس که از جهاتی مشابه آن امر معقول است، به ذهن شنونده و فهم و ادراک او نزدیکتر کند.

مشبه

جان به مرغ (همان: ۱۳۴)، اسرار به دریای بی پایان (همان: ۱۴۳)، راز به قبا (همان: ۱۷۱)، فطرت به بازار (همان: ۱۸۹)، عدم به بازار (همان: ۱۹۹)، تحیر به دیر (همان: ۲۳۰)

مشبه‌به

خیال است اینهمه عالم بیندیش	مبین آخر خیالی را از این بی‌ش (همان: ۱۱۵)
همه ناچیز و فانی همه هیچ	همه همچون <u>طلسمی</u> پیچ بر پیچ (همان: ۱۳۶)

۲-۳. عناصر طبیعی

از جمله مسایل مهم مطرح در اسرارنامه، توجه و دید عطار نسبت به جهان است. وی طبیعت را یکپارچه زنده و جاندار میبیند. گویی تمام عناصر طبیعت با او در حال گفتگویند و هر یک دنیایی برای او می‌گشایند. در ساختار تشبیهات عطار نیز چنانکه از آمارها بر میآید. طبیعت‌گرایی و استفاده

از عناصر طبیعی نقش عمده‌ای را در رکن مشبیه دارند و علت اصلی این امر، در واقع حسی بودن طبیعت است:

مشبّه

گردون به حلقه (همان: ۹۰)، زمین به موم (همان: ۹۲)، خورشید به طفل (همان: ۹۶)، ذره به آفتاب (همان: ۱۰۰)، راغ به دیوان (همان: ۱۱۰)، نور به ماه (همان: ۱۱۸)، فلک به دست‌باف عنکبوت (همان: ۱۳۴)، دنیا به کشت‌زار (همان: ۱۴۴)، انجم به طفلان (همان: ۱۶۵)

مشبّه‌به

بر آی از خُم که تا در خُم نشستی چو خاکی زیر پای چرخ پستی (همان: ۱۴۸)

کسی داند شدن در قـربِ آن اوج که فقر او چو دریا میزند موج (همان: ۱۷۱)

ز سیلاب اجل مدهوش گشته ز پاسخ بلبش خاموش گشته (همان: ۲۳۳)

۲ - ۴ . اشیاء، ابزار آلات و مکانها

مشبّه

تاج به خورشید (عطار، ۱۳۹۲: ۲۰۷)، دلو به تیر (همان: ۲۱۱)، سنگ سیه به گوی (همان: ۲۱۲)، تیغ به الماس (همان: ۳۲۴)

مشبّه‌به

عجز به گلیم (همان: ۹۰)، گور به گهواره (همان: ۹۲)، پیامبراکرم(ص) به گوهر (همان: ۹۴)، پیامبراکرم(ص) به دُر شب افروز (همان: ۹۷)، دل به آینه (همان: ۱۰۹)، جان به شمع (همان: ۱۰۹) ز سر تا بُن چو زنجیری ست یکسر رهی نزدیک دان زان یک به دیگر (همان: ۱۱۲)

چو چوگان سرنگون مردانِ میدان کسی این گوی نآبرده به پایان (همان: ۱۲۹)

چو دلوت گفت: در دلو آی بر ماه چو دلوی زین رَسَن رفتی فرو چاه (همان: ۱۶۷)

۲ - ۵ . حیوانات، جانوران و پرندگان

مشبّه

مگس به همای (همان: ۱۵۰)، طوطی به باد (همان: ۱۵۱)، طوطی به آتش (همان: ۱۵۱)، بز به جوزا (همان: ۱۶۷)، ماهی به کاهی (همان: ۲۲۰)، مگس به طاووس (همان: ۲۲۴)
مشبّه به

چو پروانه بر آتش میزند خویش که تا هستی او برخیزد از پیش (همان: ۱۰۸)
چو زیر از عشق رمز زار میگوی چو بلبل بیزبان اسرار میگوی (همان: ۱۰۹)
هزاران تیر محکم خورده بر دل چو آهو میدود دو پای در گل (همان: ۱۱۱)

۲ - ۶. عناصر دینی و مذهبی

مشبّه

جبرئیل به انگشت (همان: ۹۶)، جبرئیل به گنجشک (همان: ۹۹)، خلد به مرغزار (همان: ۱۰۹)، پل صراط به مو (همان: ۱۸۳)، پیامبر اکرم (ص) به گوهر (همان: ۱۹۴)، رحمت به ابر (همان: ۲۳۳)
مشبّه به

چو ابراهیم بت‌ها بر زمین زن نفیس از «لأحسب الأقلین» زن (همان: ۱۶۶)
اگر چون عرش اعلی گردی از عز به هیچت بر نمیگیرند هرگز (همان: ۲۶۹)
اگر چون یونسی در قعر عالم چو جای جوف ماهی شد مزن دم (همان: ۲۰۴)

۲ - ۷. عناصر گفتار و نوشتار

مشبّه

سخن به آب زر (همان: ۱۲۸)، زبان به شکر (همان: ۱۴۸)، سخن به آفتاب (همان: ۲۰۸)، زبان به الماس (همان: ۲۲۷)، سخن به حضرت مریم (همان: ۲۲۷)، حرف به بت (همان: ۲۲۹)
مشبّه به
تو اندر وصف او چو یزیدیکه دانی ز دفتهای وهم خویش خوانی (همان: ۱۵۶)

ز سـ در، أبجد معنی درآموز ز نور شـرع، شمع دل برافروز
(همان: ۱۶۰)

الا ای حرص در کارت کشیده چو شد قد الف وارت خمیده (همان: ۲۰۰)

۳. تقسیم تشبیه براساس حسی یا عقلی بودن طرفین

مقصود از حسی و محسوس بودن آنست که با یکی از حواس پنجگانه قابل حس باشد و آن یا از دیدنیها، چشیدنیها، بوییدنیها، پسودنیها و یا از شنیدنیهاست. یعنی مشبه یا مشبّه‌به، یکی از این محسوسات باشد. مقصود از عقلی یا معقول بودن آنست که از امور و کیفیات نفسانی باشد و با حواس پنجگانه، قابل ادراک نباشد مانند: جان، عقل، غضب، کرم و جوانمردی و عشق و... (معانی و بیان، علوی مقدم، ص: ۹۴ و ۹۵)

بیشتر تشبیهات در شعر عطار از نوع "حسی به حسی" و "عقلی به حسی" هستند. تمایل عطار به مفاهیم عرفانی و فلسفی و نیز سبک تعلیمی ایشان در این اثر، باعث شده است که از بسیاری از مفاهیم انتزاعی در شعرش بهره جوید و برای تفهیم به ذهن مخاطب از عناصر طبیعی و ملموس استفاده میکند.

۳-۱. مشبه و مشبّه‌به هر دو حسی

تشبیهات حسی به حسی که: «لازمهٔ ایجاد آنها، فعالیت ذهنی میان دو شیء ظاهراً بی‌ارتباط است» (رمز و داستانهای رمزی، پورنامداریان، ص: ۸۹) در اسرارنامه عطار، از بسامد بالای برخوردار است. در این نوع تشبیه، مشبه و مشبّه‌به، هر دو با یکی از حواس ظاهر قابل درک و دریافتند. در واقع «تصویر حسی محصول یک تأثیر حسی از شیء خارجی است که بر ذهن میتابد و ذهن مثل آینه آن را با کلمات منعکس میکند. (بلاغت تصویر، فتوحی، ص: ۱۰۰) هدف از این تشبیه آن است که نقش مشبه، بوسیلهٔ مشبّه‌به که در وجه‌شبه مورد نظر شاعر اوضح و اعرف از مشبه است، به خواننده یا مخاطب شناسانده شود:

چـو تخم مرغ دارد مغز پرده در آتش هم‌چو یخ گردد فسرده
(عطار، ۱۳۹۲: ۱۳۹)

تـورا در چاه تن افتاد جانی به دست او ز جایی ریسمانی
(همان: ۱۴۰)

۳-۲. مشبه عقلی و مشبّه‌به حسی

این نوع تشبیه در اسرار نامه عطار، بعد از تشبیهات "حسی به حسی" از بسامد بالای برخوردار است. در واقع غرض از این نوع تشبیه، توضیح حال مشبه است و اگر مشبّه‌به محسوس باشد؛ مشبه معقول

به خوبی در ذهن مجسم میشود. در این نوع که مشبّه، معقول و مشبّه‌به، محسوس است؛ غالباً عطار کوشیده است که امری معقول اعم از حالات عاطفی، خوی و خصلتهای اخلاقی، مفهومی معقول یا امور مربوط به عالم غیب و مجردات را از راه مانند کردن آن به امر محسوس که از جهت یا جهاتی مشابه آن امر معقول است؛ به ذهن شنونده و فهم و درک او نزدیک نماید. در حقیقت این جنبه از تشبیه یکی از جنبه‌های هنری و زیبایی تشبیه است و «تصویر، آنگاه جنبه هنری پیدا میکند که امر معقولی را به محسوسی پیوند دهند (کلیات زیبایی‌شناسی، کروجه، ص: ۷۹) در این نوع از تشبیهات، در اکثر موارد، مشبّه: «امری معنوی و غیرمحسوس است که با طرف دیگر تشبیه، یعنی مشبّه‌به خواسته است آن را عینی و محسوس سازد.» (تصویرگری در غزلیات شمس، ص: ۳۹) شواهدی از این نوع تصاویر:

فشاندم دُرّ معنی بر تو بسیار ولی کی کور بیند دُرّ شـــــــــــــــــهوار
(عطار، ۱۳۹۲: ۱۴۵)

سگی ست این نفس در گلخن بمانده زبهر استخوان در تن بمانده
(همان: ۲۱۱)

۳ - ۳. مشبّه عقلی و مشبّه‌به عقلی:

منظور از امور عقلی، اموری است که حواس پنجگانه به وجودشان شهادت نمیدهد و فاقد وجود عینی هستند (با کاروان اندیشه، زرین کوب، ص: ۳۹) این ساختار، در اسرارنامه عطار بسامد کمتری را نسبت به ساختارهای دیگر، داراست. در واقع «این نوع تشبیه هم قاعدتاً نباید وجود داشته باشد زیرا از مشبّه‌به عقلی، وجه شبه روشن و صریحی أخذ نمیشود تا حال مشبه را به کمک آن دریابیم» (بیان، شمیسا، ص: ۶۸) در این نوع تشبیه مشبّه و مشبّه‌به هر دو معقول‌اند:

خیال و وهم و عقل و حس، مقام است کـه هریک در مقام خود تمام است
(عطار، ۱۳۹۲: ۵۹)

نَفَس از جان چون دوزخ بینداخت ز مستی جامه را نخ بینداخت
(همان: ۲۱۹)

۳ - ۴. مشبّه حسّی و مشبّه‌به عقلی:

در این نوع تشبیه، مشبّه محسوس و مشبّه‌به معقول است. «از نظر تئوری این نوع تشبیه نباید وجود داشته باشد چون غرض از تشبیه این است که به کمک مشبّه‌به که در صفتی اعرف و اجلی و اقوی از مشبّه است حال و وضع مشبّه را در ذهن تقریر و بیان کنیم و بدیهی است که عقلی همیشه نسبت به حسّی اخفی است (بیان، شمیسا، ص: ۶۴) این نوع تشبیه در اسرارنامه عطار از بسامد پایینی برخوردار است:

تو گنجی لیک در بندِ طلسمی تو جانی لیک در زندان جسمی
(عطار، ۱۳۹۲: ۱۰۷)

کفی خاک است و بادی در میانش تن او چون طلسم و گنج جانش
(همان: ۱۵۷)

۴. تقسیم تشبیه بر حسب فشردگی یا گسترده‌گی ساختار آن:

بطور کلی «تشبیه را از نظر صورت بیانی میتوان در دو صورت گسترده و فشرده خلاصه کرد. منظور از تشبیهات فشرده در اسرارنامه عطار، تشبیهاتی است که با افزودن دو طرف تشبیه (مشبه و مشبه‌به) بصورت یک ترکیب اضافی یا وصفی در میاید. تشبیه گسترده تشبیهی است که بصورت ترکیب اضافی بیان نشده باشد و ممکن است که هر چهار رکن تشبیه یعنی، مشبه و مشبه‌به، وجه‌شبه و ادات تشبیه ذکر شده باشند و یا ممکن است که وجه‌شبه و یا ادات تشبیه حذف شده باشد.» (سفر در مه، پورنامداریان، ص: ۲۱۴) براین اساس؛ تشبیه فشرده در اصطلاح بیان، همان اضافه تشبیهی یا بلیغ است و «این نوع تشبیه را از آن جهت بلیغ میگویند که تشبیه در نظر ادباء هر قدر نامعلومتر و نهفته‌تر باشد مبالغه و تاکیدش بیشتر است.» (معانی و بیان، همایی، ص: ۱۶۱) بهرحال تشبیه فشرده به جهت کوتاهی و فشردگی ساختار و حذف وجه شبه و ادات تشبیه در آن از بلاغت و تأثیر بیشتری نسبت به تشبیه گسترده برخوردار است؛ از اینرو به این ساختار، تشبیه بلیغ گفته میشود. (واژه‌نامه‌ی هنر شاعری، میرصادقی، ص: ۶۹)

۴-۱. تشبیه بلیغ: اینگونه از تشبیهات، نشانگر گرایش شاعر به هنرآفرینی و پرهیز از اطناب و توجه به ایجاز در فصاحت و بلاغت است. این تشبیه ذهن خواننده را به ژرف ساحت سخن میکشاند. افزونی این نوع از تشبیه در اسرارنامه، نشان از آن دارد که عطار گرایش بیشتری به این ساخت از تشبیه دارد و به نوعی در پی آنست که ابزارهایی برای نوکردن تشبیهات و تازه جلوه دادن مضامین پیدا کند تا به شعرش ارزش بیشتری دهد.

۴-۱-۱. تشبیه بلیغ اضافی: در این نوع از تشبیه، مشبه و مشبه‌به بصورت یک ترکیب اضافی است:

دو عالم خلعت هستی ازو یافت فلک بالا، زمین پستی ازو یافت
(عطار، ۱۳۹۲: ۸۷)

گلیم عجز در سرکش ز حیرت چو باران بر رخ افشان اشک حسرت
(همان: ۹۰)

اگر روشن کنی آیینۀ دل دری بگشایدت در سینه دل
(همان: ۱۰۹)

ز بیماری درد آز خسته چو مدهوشی به بستر باز خفته
(همان: ۲۱۴)

زهی عطّار از بحر معانی به الماس زبان دُر میچکانی
(همان: ۲۲۷)

۴ - ۱ - ۲. تشبیه بلیغ وصفی: از مجموع ۱۲۰ مورد از تشبیهات فشرده عطار، ۸ مورد (۱/۳۶ درصد)، از نوع تشبیه بلیغ وصفی است. در این ساخت از تشبیه، دو رکن مشبّه و مشبّه‌به، ترکیبی از دو اسم است که اسم اول عام و شامل اسم حیوانات است و اسم دوم، اسم معنی مییاشد:

اگر تو شیر طبع و پیل زوری زهر طعمه کرمان گوری
(عطار، ۱۳۹۲: ۱۲۱)

تو آن سگ را زن ای سگ طبع ناساز که بریانی ستاند گربه را باز
(همان: ۱۴۲)

۴ - ۲. تشبیه غیر بلیغ (تشبیه گسترده)

در این نوع تشبیه، علاوه بر مشبّه و مشبّه‌به، ارکان دیگر یعنی وجه‌شبه و ادات و یا هر دو با هم بکار میروند؛ که از این جهت به دسته‌های ذیل تقسیم میشوند:

- تشبیه مرسل مفصل یا کامل الأركان: در این نوع تشبیه هر چهار رکن تشبیه حضور دارند و جایگاه چندان برای مخاطب و مشارکت وی در شعر باقی نمی‌ماند.

کسی کز عقل صد کل را کلاه است ز کوری همچو بی مغزان راه است
(عطار، ۱۳۹۲: ۱۱۰)

سخنها می‌رود چون آب زر، پاک ولیکن دیده‌ای داری تو پُر خاک
(همان: ۱۲۸)

- تشبیه مجمل: در اصطلاح علم بیان، تشبیهی که وجه‌شبه نداشته باشد؛ تشبیه مجمل نامیده میشود:

مشو چون سایه در دنبال این کار که ناید شمع را سایه پدیدار
(همان: ۱۱۷)

در آن حضرت، که امکان ثبوت است فلک چون دست باف عنکبوت است
(همان: ۱۳۴)

- تشبیه مؤکد: به تشبیهی که ادات تشبیه در آن ذکر نشده باشد؛ در اصطلاح علم بیان، تشبیه مؤکد گفته میشود. حذف ادات تشبیه، از آشنایی تشبیه کاسته و زمینه را برای فعالیت ذهنی مخاطب و لذت حاصل از کشف آن فراهم میکند:

از آن کانی که جانها، گوهر اوست
فلک از دیرگه خاک در اوست
(عطار، ۱۳۹۲: ۹۰)

سگ است این نفس کافر در نهادم
کسه من هم خانه این سگ بزادم
(همان: ۱۳۱)

۵. انواع تشبیه به اعتبار مفرد، مقید یا مرکب بودن طرفین تشبیه

طرفین تشبیه برحسب افراد و ترکیب ممکن است فرق داشته باشند و از این نظر هر تشبیه به اقسام مختلفی چون مفرد، مقید و مرکب، تقسیم میشود. «در تشبیه مفرد، تصور و تصویر یک هیأت یا یک چیز است مثل: گل، جام، دزد. در تشبیه مقید، تصویر و تصور مفردی است که مقید به قیدی باشد؛ مثل: جام بلورین، کشتی سرنگون، که مقید به قید صفتند. در تشبیه مرکب، مقصود از مرکب لزوماً یک جمله یا عبارت یا مجموعه چند واژه نیست، بلکه مرکب از یک هیأت انضمامی است و به قول قدما، مرکب: هیأت منتزع از چند واژه است.» (بیان، شمیسا، ص: ۷۱) در تشبیهات عطار، پرکاربردترین نوع تشبیه، مفرد به مفرد است و انواع دیگر تشبیه از بسامد پایینتری برخوردارند. نمونه هایی از این اشعار:

۵ - ۱. تشبیه مفرد به مفرد:

تو چون نرگس همه چشمی، نه بینا
چو سیسنبر همه گوشی، نه شنوا
(عطار، ۱۳۹۲: ۱۴۵)

مجوی از عیب بر موری فزونی
که در قدرت، تو چون موری زبونی
(همان: ۱۵۵)

۵ - ۲. تشبیه مفرد به مقید:

خرد، نقد سـرای کاینات است
ولیکن عشق، اکسیر حیات است
(همان: ۲۹)

چو پیدا شد جمال یوسف از دور
جهان چون مصر جامع گشت از نور
(همان: ۱۲۲)

۵ - ۳. مقید به مفرد:

ندانم بام آستانت چه سان است
که زندان تو باری، بوستان است
(همان: ۹۱)

دم سرد از جگر میزد چو کافور
فـرو میبـرد آب گرم از دور
(همان: ۱۴۹)

۵ - ۴. مرگب به مرگب: تشبیهات مرگب در شعر عطار، حکایت از خلاقیت و تخیل سرشار وی دارد. عطار علاوه بر اینکه از تشبیه مرگب برای خیال انگیزتر کردن تصاویر خود بهره گرفته، این تشبیهات را در سطحی بسیار بهتر و متعالی به نمایش گذاشته است:

شوید از من به حق چون از کمان تیر به حق گوید میگوید فلان پیر
(همان: ۴۴)

زمین در جنب این نه سقف مینا جو خشخاشی بود بر روی دریا
(همان: ۹۰)

چنان شد ظلم در ایام او گم که اشکی میان بحر قلزم
(همان: ۱۰۳)

۶. انواع تشبیه به لحاظ شکل

شکل گرفتن مفاهیم، گونه‌ای از نظم و زیبایی را جلوه میدهد که در تخیل و هنر شاعرانه نقش دارد. این نوع تقسیم‌بندی، تکیه بر شکل و ظاهر تشبیهات دارد و با توجه به حضور ارکان تشبیه و چگونگی چینش دو طرف تشبیه و تعدد آنها متنوع است. در این بخش به مقایسه این نوع تشبیهات میپردازیم. ۶ - ۱. تشبیه تسویه: تشبیه تسویه: «که آنرا تشبیه مزدوج نیز گویند؛ و آن اینست که مشبه متعدد و مشبه‌به یکی باشد، یعنی چند چیز را به یک چیز مانند کنند.» (معانی و بیان، همایی، ص: ۱۵۵)

یک آینه ست جسم و جان دو رویش به حکمت مینماید از دو رویش
(عطار، ۱۳۹۲: ۳۹)

زهی قدرت که گر خواهد به یک دم زمین چون موم گرداند، فلک هم
(همان: ۹۲)

۶ - ۲. تشبیه جمع: تشبیه جمع «عکس تشبیه تسویه است؛ یعنی یک چیز را به چند چیز مانند کرده باشند.» (معانی و بیان، همایی، ص: ۱۵۶)

شتر مرغی که وقت کار کردن جو مرغی و جو اشتر وقت خوردن
(عطار، ۱۳۹۲: ۶۶)

تو چون نرگس همه چشمی، نه بینا جو سیسبیر همه گوشی، نه شنوا
(همان: ۱۴۵)

۶ - ۳. تشبیه مفروق: این قسم تشبیه در شعر عطار بسامد قابل توجهی دارد. این تشبیهات شامل چند مشبه و مشبه‌به متوالی است که سبب خیال انگیزی و کوشش ذهنی مخاطب میشود. عطار به

این نوع از تشبیه بیشتر توجه داشته و سعی کرده است برای هنری کردن تشبیهات خود از آن بهره گیرد.

خرد، گنجشک دام ناتمami است ولیکن عشق، سیمرغ معانی است
(همان: ۲۸)

چو پشت آینه است آن تیرگی تن ولی جان، روی آینه ست روشن
(همان: ۳۷)

۶- ۵. تشبیه تفضیل؛ تشبیه تفضیل، «آن است که بعد از تشبیه چیزی به چیزی، وجه تفضیل مشبه بر مشبه‌به را بیان کنند.» (المعجم، شمس قیس رازی، ص: ۳۱۰) یا، «آنست که شاعر بعد از تشبیه چیزی به چیزی، وجه تفضیل و برتری و ترجیح مشبه بر مشبه‌به پیدا کند.» (دقایق الشعر، تاج الحلاوی، ص: ۳۹) این نوع تشبیه بر اغراق میافزاید؛ هرچند تشبیه در اصل بر پایه اغراق است، گاهی همراهی اغراق، جلوه تشبیه را افزونتر میکند. «این تشبیه نوعی از تشبیهات شاعرانه است که مختلتر از دیگر انواع است و ذهن را از سویی بسوی دیگر میبرد و در گیر و دار تأمل و تفکر، به برتری مشبه میانجامد (صورخیال در شعر شاعران سبک خراسانی، طالبیان، ص: ۱۰۶)

تو ذری گریتمی این چه بیم است که ذر را بهترین وصفی یتیم است
(عطار، ۱۳۹۲: ۱۰۰)

۶- ۵. تشبیه معکوس: عطار در اسرارنامه فقط در ۱ مورد (۰،۱۷ درصد)، از این نوع تشبیه استفاده کرده است.

محمد را چو جان، تن بود و تن، جان سوی معراج شد با این و با آن
(عطار، ۱۳۹۲: ۳۷)

عطار در اسرارنامه از تشبیه مفروق، جمع، تفضیل و تسویه بیش از اشکال دیگر تشبیه استفاده کرده است. در واقع تشبیه بلیغ و مفروق، از نظر ذکر نشدن ادات و وجه شبه و بدلیل تراکم مشبه و مشبه‌به، یعنی تعدد تشبیهات بلیغ اضافی و کنار هم قرار گرفتن آنها، مختلتر شده و درصد زیادتری را به خود اختصاص داده است. این تشبیه، ذهن خواننده را به ژرف ساخت سخن میکشاند و باعث استواری و دیرپایی آن میشود. افزونی این نوع تشبیه در اسرارنامه نشان از آن دارد که عطار گرایش بیشتری به این تشبیهات دارد و به نوعی در پی آنست که ابزارهایی برای نو کردن تشبیهات و تازه جلوه دادن مضامین پیدا کند تا به شعرش ارزش بیشتری دهد.

۷. وجه شبه در اسرارنامه عطار

بعضی از ادب‌پژوهان از وجه شبه با تعبیرهایی چون: "جان تشبیه" و "مهمترین بحث در تشبیه" یاد میکنند. چرا که «مبین سرشاری از محیط و وسعت تخیل است.» (رمز و داستانه‌های رمزی،

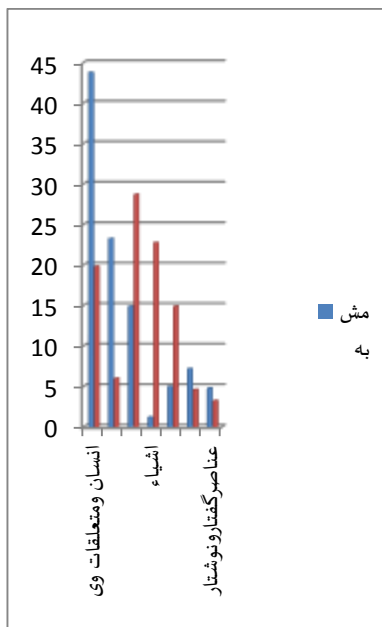
پورنامداریان، ص: ۴۲) این رکن از تشبیه، ارتباط بین مشبه و مشبه‌به است که شاعر با روح کنجکاو و نکته‌یاب خود به تشبیهات خویش میبخشد. جذابیت تشبیه از طریق یافتن شباهتهایی است که شاعر در تقابل عناصر طبیعی، جانداران، اشیاء و عناصر انتزاعی و... کشف میکند.

بی‌تردید، اهمیت و ارزش هنری تشبیه، به چگونگی کیفیت وجه شبه وابسته است. هرچه شاعر در پیدا کردن روابط مشبه و مشبه‌به خلاقیت بکار بندد؛ وجه شبه برجسته‌تر میشود و در نتیجه ادبی بودن کلام را منجر میشود. وجه شبه عامل اصلی و اساسی فعال کردن ذهن خواننده و مشارکت دادن وی در روند آفرینش است. حذف وجه شبه و یا ذکر آن، ممکن است بدلائل مختلفی صورت گیرد. نخست اینکه «وقتی مشبه‌به دارای صفت و ویژگی واضح و آشکاری باشد؛ شاعر خود را ملزم به آوردن وجه شبه نمی‌بیند.» (صور خیال در خمسه نظامی، زنجانی، ص: ۴۳) یکی از دلایل وجود وجه شبه، تازگی و نوبی تشبیه است و شاعر بدلیل نو بودن مشبه‌به و دوری آن از مشبه مجبور به آوردن وجه شبه میشود. عطار نیز با توجه به اینکه معانی و مضامین بدیع و نو در تشبیهات خود آورده، مجبور شده است برای اینکه یافتن وجه شبه برای خواننده دشوار بنظر نرسد، وجه شبه را ذکر کند.

با تحلیل و واکاوی تشبیهات عطار در اسرارنامه و نیز آمارهایی که از این طریق بدست میاید؛ در می‌یابیم که از مجموع ۵۸۵ ترکیب تشبیهی، در ۳۸۶ مورد از تشبیهات، رکن وجه شبه حضور دارد و این نکته نشانگر تازگی و نوبی تشبیهات در شعر عطار است. از طرف دیگر، ذکر وجه شبه از میزان مخیل بودن تشبیه می‌کاهد و این فرصت را از مخاطب می‌گیرد تا با خیال‌پردازی و دقت، رابطه طرفین تشبیه را بیابد. «از نظر تئوری ادبیات، تشبیه مجمل از مفصل بهتر است و اتفاقاً هر چه در شعر فارسی از آغاز به جلو بیابیم یا از آغاز هر سبکی دورتر شویم؛ از بسامد تشبیهات مفصل کاسته میشود.» (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، ص: ۶۱) گرچه ذکر وجه شبه (تشبیه مفصل) به جمله ماهیت نثری میدهد و عدم ذکر آن، طرز بیان را شاعرانه و مخیلت‌ر میسازد؛ اما عطار به ایراد وجه شبه در تشبیهاتش پافشاری میکند؛ این کار او میتواند جهت رفع ابهام از تشبیه باشد تا مخاطب همان وجه شباهتی را که مدنظر شاعر بوده، دریابد.

جداول ونمودارهای بسامدی انواع تشبیه در اسرارنامه عطار:

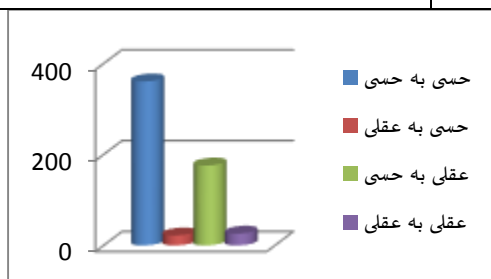
۱،۱- تقسیم تشبیه بر حسب مواد و عناصر بکار رفته:



موضوع	مشبه		مشبه به	
	بسام د	درصد	بسام د	درصد
انسان و متعلقات وی	۲۵۶	۴/۷۶	۱۱۶	۱/۸۲
عناصر انتزاعی	۱۳۶	۲/۲۴	۳۵	۵/۹۸
عناصر طبیعی	۸۷	۱/۸۷	۱۶۸	۲/۷۱
اشیاء	۷	۱/۱۹	۱۳۳	۲/۷۳
حیوانات و جانوران	۲۹	۴/۹۵	۸۷	۱/۸۷
عناصر دینی	۴۲	۷/۱۷	۲۷	۴/۶۱
عناصر گفتار و نوشتار	۲۸	۴/۷۸	۱۹	۳/۲۴
مجموع	۵۸۵	۱۰۰	۵۸۵	۱۰۰

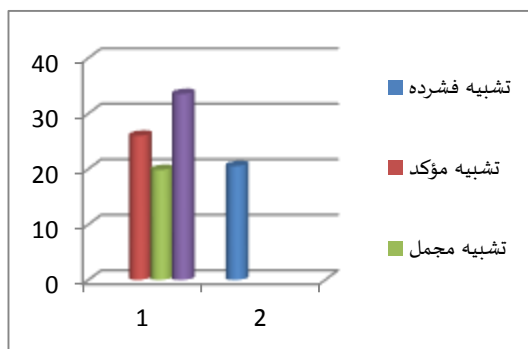
۲-۱. تقسیم تشبیه بر اساس حسی یا عقلی بودن طرفین:

نوع تشبیه	حسی		عقلی	
	بسامد	درصد	بسامد	درصد
حسی	۳۶۱	۶۱/۷۰	۲۲	۳/۷۶
عقلی	۱۷۶	۳۰/۰۸	۲۶	۴/۴۴
مجموع	۵۸۵			



۱.۳) تقسیم تشبیه برحسب فشردگی و گستردگی ساختار آن:

تشیبه فشرده	تشیبه گسترده			نوع تشیبه
	تشیبه مؤکد	تشیبه مجمل	تشیبه مرسل مفصل	
۱۲۰	۱۵۲	۱۱۶	۱۹۷	بسامد
۲۰/۵۱	۲۵/۹۸	۱۹/۸۲	۳۳/۵۰	درصد
۵۸۵				مجموع



۱.۴) انواع طرفین تشبیه به اعتبار مفرد، مقید یا مرکب بودن طرفین تشبیه:

نوع تشیبه	مفرد		مقید		مرکب	
	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد
مفرد	۳۳۴	۵۷/۰۹	۶۳	۱۰/۷۶	۱۷	۲/۹۰
مقید	۳۸	۶/۹۴	۰	۰	۰	۰
مرکب	۰	۰	۰	۰	۱۲۸	۲۱/۸۸
مجموع	۵۸۵					

۱.۵) بسامد و درصد انواع تشبیه به لحاظ شکل:

نوع تشبیه	بسامد	درصد
تشیبه جمع	۱۷	۲/۹۰

۱/۵۳	۹	تشبیه تسویه
۵/۲۹	۳۱	تشبیه مفروق
۰/۱۷	۱	تشبیه معکوس
۲/۵۶	۱۵	تشبیه تفضیل
۱۲/۴۵	۷۳	مجموع

نتیجه گیری

یکی از بهترین دستاوردهای تحلیلهای بلاغی، پی بردن به ویژگیهای سبکی و فکری شاعر است، از طریق بسامدگیری آماری میتوان به گزینشهای سبکی شاعر دست یافت و این مطلب، سبب شناخت بهتر و دقیقتر ظرفیتهای کلامی شاعر میشود. در این جستار به بررسی همه جانبه تشبیه در اسرارنامه عطار پرداخته، با ارائه جامعه آماری دقیق سعی در کشف روابط و هماهنگیهای موجود در ذهن و زبان عطار داشته است. نتایج حاصل از این جستار را میتوان چنین برشمرد:

۱. از نظر مواد و عناصر بکار رفته در اسرارنامه عطار، انسان و عناصر انسانی ۴۳/۷۶ درصد و معنویات و مفاهیم مجرد، انتزاعی و ذهنی با ۴۴/۴۷ درصد، در رکن مشبّه، از بیشترین بسامد آماری برخوردارند. براین اساس، تجزیه و تحلیل عناصر و مواد بکار رفته در تشبیهات اسرارنامه عطار، معرف ویژگیهای خاص زبان و سبک تعلیمی شاعر در این اثر ارزشمند است.
۲. از جهت انواع تشبیه به اعتبار حسی یا عقلی بودن طرفین تشبیه، چهار نوع قابل تشخیص است که برحسب بسامد کاربرد عبارتند از: معقول به محسوس، محسوس به محسوس، معقول به معقول، محسوس به معقول. عطار در اسرارنامه چنانکه ذکر شد بیشتر از تشبیهات عقلی - حسی و حسی - حسی استفاده کرده است، بسامد بالای این دو ساختار تشبیهی، در اثری مانند اسرارنامه گریزناپذیر است، زیرا موضوع و فحوای کلام، چنین ساختاری را میطلبد. عطار از این طریق بسیاری از مفاهیم و معانی عقلی و معنوی را به مشبّه‌به‌های حسی تشبیه کرده و مطلب را برای مخاطب دریافتنی و ملموس کرده است. او از این طریق کوشیده تا معانی بلند روحانی و معنوی را بگونه‌ای بیان کند تا هر خواننده‌ای بتواند آن را دریابد. برای این هدف راهکاری بهتر از این شگرد نیست که شاعر از تشبیه به عنوان کانون محوری اثر ادبی بهره بگیرد و مطلب را بگونه‌ای پیرورد که دریافتنی و آموختنی شود، بهره‌گیری از تشبیهات حسی به حسی نیز در همین جهت است؛ زیرا هیچ اثری عقلی و انتزاعی محض نیست و با محسوسات آمیخته است. شاعر از ظرفیتهای محسوسات

- نظیر شکل، رنگ، طعم، مزه و... استفاده کرده و معانی عرفانی و معنوی و اخلاقی را مطرح نموده است و این امکان را فراهم کرده تا مخاطب بدون دغدغه و دشواری به عمق معانی او راه یابد و از آن، بهره بگیرد.
۳. از جهت فشرده یا گسترده بودن ساختار تشبیه، اضافه‌های تشبیهی و ترکیباتِ وصفی که در آنها مشبّه و مشبّه‌به بصورت یک صفت مرکب ذکر شده، تشبیه فشرده و هر تشبیهی غیر از این ساختار، تشبیه گسترده نام گرفت. در تشبیهاتِ فشرده عطار، همیشه ادات محذوف است و به جهت حذف وجه‌شبه و ادات تشبیه از تشبیه گسترده، بلیغتر و جنبه تأکید در آن افزونتر است. وجه‌شبه در تشبیهات اسرار نامه عطار، قاعده ثابتی ندارد و گاه در تشبیهات فشرده هم وجه‌شبه ذکر می‌گردد. تشبیه گسترده، همانگونه که در جدول و نمودار (۳-۱)؛ نشان داده شده است؛ به سه گروه مفصل، مجمل و مؤکد تقسیم شده است.
۴. از جهت افراد و ترکیب طرفین تشبیه، همانگونه که در جدول (۴-۱) نشان داده شده است. پرکاربردترین نوع تشبیه، تشبیه مفرد به مفرد است که ۶۵/۴۷ درصد از تشبیهات را شامل شده است و میتوان گفت که تشبیهات مرکب از کمترین بسامد برخوردار است.
۵. در مورد شکل باید اذعان داشت، علیرغم اینکه نمونه‌هایی از تشبیهات تسویه، جمع، مفروق، مضمّر و تفضیل در اسرار نامه عطار دیده میشود؛ اما اینگونه تشبیهات بسامد چندانی ندارند و عطار کمتر به استفاده از چنین ساختارهایی توجه داشته است.
۶. از جهت وجه‌شبه نیز، از مجموع ۵۸۵ ترکیب تشبیهی، در ۳۶۸ مورد از تشبیهات، رکن وجه‌شبه حضور دارد.

منابع

- ۱- اسرارنامه، عطار، فریدالدین (۱۳۹۲). تصحیح و شرح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- ۲- معانی و بیان، همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۳). تهران: مؤسسه نشرهما.
- ۳- رمز و داستانهای رمزی، پورنامداریان، تقی (۱۳۷۵). تهران: علمی و فرهنگی.
- ۴- سفر در مه، پورنامداریان، تقی (۱۳۸۱). تهران: نگاه.
- ۵- سیری در دیوان شمس، دشتی، علی (۱۳۸۰). به کوشش ماحوزی، تهران: قلم آشنا.
- ۶- صورخیال در شعرشاعران سبک خراسانی، طالبیان، یحیی (۱۳۷۸). کرمان: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی عماد.
- ۷- صورخیال در خمسه‌ی نظامی، زنجانی، برات (۱۳۷۷). تهران: امیرکبیر.
- ۸- کلیات سبک شناسی، شمیسا، سیروس (۱۳۷۳). تهران: فردوس.
- ۹- کلیات زیبایی شناسی، کروچه، بندتو (۱۳۴۴). ترجمه فؤاد رحمانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۰- واژه نامه هنرشاعری، میرصادقی، میمنت (۱۳۷۳). تهران: انتشارات کتاب مهناز.
- ۱۱- المعجم فی معابیر اشعارالعجم، رازی، شمس‌الدین محمد بن قیس (۱۳۷۳). تصحیح سیروس شمیسا، تهران: فردوس.
- ۱۲- با کاروان اندیشه، زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۷). تهران: امیرکبیر.
- ۱۳- باغ سبز عشق، اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۷). تهران: یزدان.
- ۱۴- بلاغت تصویر، فتوحی رود معجنی، محمود (۱۳۹۲). تهران: سخن.
- ۱۵- بیان، شمیسا، سیروس (۱۳۷۳). تهران: فردوس.
- ۱۶- تصویرگری در غزلیات شمس، فاطمی، سید حسین (۱۳۶۴). تهران: امیرکبیر.
- ۱۷- دقایق‌الشعر (علم بدیع و صنایع شعری در زبان فارسی دری). تاج‌الحلای، علی بن محمد (۱۳۸۳). تصحیح سید محمد کاظم امام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۸- معانی و بیان، علوی مقدم، محمد رضا اشرف‌زاده (۱۳۸۲). تهران: سمت.